اخبار

بقایی:

دنیا فریب تبلیغات ریاکارانه آمریکا را نمی‌خورد

سخنگوی وزارت امور خارجه، به اظهارات یکی از سخنگویان دولت آمریکا نسبت به وضعیت اقتصادی ایرانیان واکنش نشان داد و تاکید کرد: دنیا فریب روایت‌های دروغین و تبلیغات ریاکارانه آمریکا را نمی‌خورد.

به گزارش مهر، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به اظهارات یکی از سخنگویان دولت آمریکا نسبت به وضعیت اقتصادی ایرانیان و ادعای ممانعت آمریکا از خرید نمایندگان ایران از فروشگاه‌های آمریکایی در جریان اجلاس آتی مجمع عمومی سازمان ملل، در فضای مجازی نوشت: «حاکمان واشنگتن هنوز ملت‌ها را فاقد حافظه و شعور تحلیلی فرض می‌کند؛ گویی جهان همچون سریال Pluribus است و همه باید با ذهنی تعطیل، خیره به لب‌های واشنگتن، روایت آن را بی کم و کاست باور کنند.

یک سو، جنگ اقتصادی بی‌رحمانه‌ای که هدفش وارد کردن حداکثر درد و رنج علیه تک‌تک شهروندان ایرانی است و از سوی دیگر، نمایش پرطمطراق جلوگیری از خرید فرضی مقامات ایرانی از یک فروشگاه عمده‌فروشی در نیویورک!

«تحریم زندگی یک ملت» را جشن می‌گیرند و برای «تحریم کارت فروشگاه» بیانیه صادر می‌کنند.

این روش تبلیغاتی آن‌قدر ساده‌لوحانه و نخ‌نماست که حالا بهتر می‌توان فهمید چه نوع ذهنیت ساده‌انگارانه‌ای جنگ غیرقانونی علیه ملت ایران را آغاز کرد و آمریکا را به ورطه خجالت‌آوری که امروز در آن قرار دارد کشاند».

رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش:

مردم پرچم انقلاب را بر زمین نمی‌گذارند

رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش با صدور پیامی، ۲۰۰ شب ایستادگی و مقاومت ملت ایران را نمادی از «ایام‌الله» دانست و تأکید کرد: مردم پرچم انقلاب را در برابر تهدیدها بر زمین نمی‌گذارند.

به گزارش مهر، امیر «احمدرضا پوردستان» رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پیامی به مناسبت ۲۰۰ شب از ایستادگی ملت ایران، این حضور مستمر را نمادی از «ایام‌الله» و مصداق فرمان الهی «فَذَکِّرْهُم بِأَیَّامِ الله» توصیف کرد.

امیر پوردستان گفت: تقویم امروز به غیر از تاریخ ۲۵ شهریور، عددی وزین‌تر و درخشان‌تر را نشان می‌دهد و آن، شکوه و عظمت ۲۰۰ شب ایستادگی، مقاومت و سلحشوری ملت سربلند ایران اسلامی است. دویست شب حضور اثرگذار، تنها یک عدد نیست، بلکه نمادی از ۲۰۰ روز الهی است.

وی با اشاره به شرایط دشوار مقابله با تهدیدهای دشمنان از جمله بمباران هوایی، بمب‌گذاری، پرتاب کوکتل مولوتف و زیرگیری با خودرو، تصریح کرد: این ملت همچنان با شجاعت ایستاده و در یک دست پرچم کشور و در دست دیگر جان خود را گرفته و آماده فداکاری در راه اعتقادات، باورها و میهن است.

امیر پوردستان این حضور مستمر ایمانی و انقلابی در سنگر خیابان را مورد توجه حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنافداه) دانست و پیام‌های قاطع و روشن این حرکت خطاب به مخاطبان مختلف را برشمرد و خطاب به رزمندگان گفت: اطمینان داشته باشید که لحظه‌ای از حمایت و پشتیبانی شما دلاورمردان خط مقدم دست نخواهیم کشید و تا فتح قله، همراه و در کنارتان هستیم.

امیر پوردستان با هشدار دشمنان افزود: تا خون در رگ‌هایمان جریان دارد از انقلاب اسلامی و ارزش‌های والای آن دفاع می‌کنیم و حسرت پیروزی بر این کشور را به دل‌های ناپاک شما خواهیم گذاشت.

وی در ادامه خطاب به رهبر شهید گفت: با چشمانی اشکبار از داغ فراق و قلب‌هایی سرشار از ایمان و امید و حماسه، نخواهیم گذاشت پرچمی را که با ایثار خون مطهرتان برافراشتید بر زمین بماند و آن را با تقدیم عزیزترین سرمایه‌هایمان کماکان در اهتزاز نگاه می‌داریم.

امیر پوردستان خطاب به امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای گفت: آقا و رهبر عزیز، گوش به فرمانتان هستیم و با شما عهد می‌بندیم که تا پیروزی نهایی و به ذلت کشاندن دشمنان و گرفتن انتقام خون امام شهیدمان، صحنه حضور را ترک نخواهیم کرد و اقتدار و صبر و صلابت ایران اسلامی را به رخ جهانیان خواهیم کشاند.

چین می‌تواند جلوی جنگ گسترده را بگیرد؟

تنش زیر سایه انتخابات کنگره

احمد بخشایش اردستانی معتقد است چین یک میانجی قدرتمند برای مداخله در مسائل بین ایران و آمریکا است.

اگر دموکرات‌ها در انتخابات پیروز شوند، می‌توانند فشار سیاسی بیشتری بر ترامپ وارد کنند

در حالی که تلاش‌های میانجی‌گرانه میان ایران و آمریکا طی ماه‌های گذشته، بیش از آنکه به توافقی پایدار منجر شود، به مدیریت موقت بحران محدود مانده است، چین به‌عنوان بازیگری با وزن سیاسی و اقتصادی بیشتر وارد بحث میانجیگری شده است؛ کشوری که می‌تواند نقشی متفاوت از میانجی‌های منطقه‌ای ایفا کند.

به گزارش فرارو، پرسش اصلی این است که آیا ورود پکن صرفاً به معنای تغییر میانجی‌هاست یا می‌تواند زمینه بازگشت به تفاهمی را فراهم کند که در آن، موضوعاتی مانند کاهش فشارهای اقتصادی، فروش نفت و وضعیت تنگه هرمز به یکدیگر پیوند بخورند.

احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی و تحلیلگر سیاست خارجی، با اشاره به احتمال میانجیگری چین میان ایران و آمریکا گفت وجود میانجی قدرتمند و مورد اعتماد دو طرف، بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. او همچنین درباره آینده تنش میان تهران و واشنگتن، انتخابات کنگره آمریکا، وضعیت تنگه هرمز و احتمال وقوع جنگ گسترده میان دو کشور توضیح داد.

چین می‌تواند میانجی متفاوتی باشد

بخشایش اردستانی درباره احتمال میانجیگری چین میان ایران و آمریکا گفت: به‌طور معمول، میان دو کشوری که با یکدیگر تخاصم دارند، باید میانجی قدرتمندی وجود داشته باشد. تاکنون قطر و پاکستان در میانجیگری‌ها نقش پررنگی داشته‌اند و تلاش کرده‌اند این نقش را ایفا کنند، اما در عمل نتوانسته‌اند بی‌طرفی کامل خود را حفظ کنند.

او افزود: این کشورها سهم ایالات متحده را پررنگ‌تر می‌دیدند، زیرا آمریکا را یک ابرقدرت می‌دانستند و از نفوذ واشنگتن تأثیر می‌پذیرفتند. پاکستان به‌طور ویژه چنین وضعیتی داشت. البته این مسئله به معنای نادیده گرفتن تلاش‌های قطر، عمان و پاکستان نیست و نقش آن‌ها در مقاطع مختلف ارزشمند بوده است.

این نماینده مجلس ادامه داد: با این حال، بهتر بود کشوری برای میانجیگری وارد عمل شود که از سوی هر دو طرف مورد اعتماد باشد و وزن سیاسی بیشتری داشته باشد؛ کشوری که بتواند تضمین‌های بهتری ارائه دهد و در رساندن طرفین به نتیجه مؤثرتر عمل کند.

به گفته او، پکن می‌تواند از این منظر نقشی متفاوت از میانجی‌های قبلی داشته باشد؛ هرچند موفقیت این نقش، در نهایت به آمادگی ایران و آمریکا برای عبور از مرحله مدیریت بحران و حرکت به سمت تفاهمی جدید بستگی دارد.

این عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در ادامه صحبت‌هایش با اشاره به سفر اخیر مسعود پزشکیان به قزاقستان و دیدار مقام‌های ایرانی و چینی گفت: درست است که چین متحد راهبردی ایران محسوب می‌شود، اما در دیدار اخیر، مقام‌های چینی و ایرانی به‌صورت ایستاده با یکدیگر دیدار کردند. به نظر می‌رسید نوعی فضای قهر و آشتی در این دیدار وجود دارد و این مسئله نشان می‌دهد چین نیز از وضعیت فعلی، به‌ویژه شرایط تنگه هرمز و باب‌المندب، رضایت ندارد.

او افزود: چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، طبیعتاً نسبت به هرگونه اختلال در مسیرهای انرژی و تجارت دریایی حساس است. به همین دلیل، ادامه تنش در این مناطق نمی‌تواند برای پکن مطلوب باشد.

بخشایش اردستانی گفت: ترامپ نیز از چین خواسته است نقش میانجی را ایفا کند و ایران هم با این موضوع مخالفتی ندارد. اگر قرار باشد تفاهم اسلام‌آباد دوباره احیا و اجرا شود، باید شرایطی فراهم شود که آمریکا فشار و محاصره را کاهش دهد و ایران بتواند نفت خود را به‌راحتی بفروشد.

این عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در بند پنجم این تفاهم‌نامه، مدیریت تنگه هرمز بر عهده ایران گذاشته شده است. بنابراین اگر تفاهم اسلام‌آباد به‌گونه‌ای اجرا شود که فشارها کاهش یابد و امکان فروش نفت ایران فراهم شود، این مسئله می‌تواند به باز شدن مسیرها در تنگه هرمز نیز کمک کند.

به گفته او، ایران می‌تواند در برابر خدماتی که در تنگه هرمز ارائه می‌دهد، تعرفه دریافت کند؛ موضوعی که پیش‌تر نیز از سوی مسعود پزشکیان مطرح شده است.

تنش‌ها تا انتخابات کنگره ادامه دارد

این تحلیلگر سیاست خارجی، انتخابات پیش‌روی کنگره آمریکا را یکی از عوامل مؤثر بر فضای تنش میان تهران و واشنگتن دانست و گفت: به نظر من، تا آبان‌ماه و زمان برگزاری انتخابات کنگره آمریکا، اختلاف میان ایران و آمریکا ادامه خواهد داشت. البته امیدواریم این وضعیت به سرنوشت جنگ روسیه و اوکراین دچار نشود و تا پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ ادامه پیدا نکند.

او همچنین افزود: درست است که در دل این تنش‌ها فرصت‌هایی نیز برای ایران به وجود آمده، اما معمولاً زیان‌های جنگ بیشتر از فرصت‌های آن است. بنابراین ادامه وضعیت جنگی در مجموع مطلوب نیست.

بخشایش اردستانی با اشاره به احتمال استیضاح در صورت پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ادامه داد: اگر دموکرات‌ها در انتخابات پیروز شوند، می‌توانند فشار سیاسی بیشتری بر ترامپ وارد کنند. این فشار حتی ممکن است به طرح موضوع استیضاح نیز برسد. در سیاست‌های کلی آمریکا نسبت به ایران تفاوت اساسی میان دو حزب وجود ندارد، اما دموکرات‌ها در صورت پیروزی برای بازگشت و تثبیت سیاست‌های خود به زمان نیاز خواهند داشت و این مسئله می‌تواند بر تصمیم‌گیری در واشنگتن اثر بگذارد.

او گفت: به نظر من، میان ایران و آمریکا نوعی قرارداد نانوشته عدم تعرض شکل گرفته است.

احتمال جنگ گسترده کاهش یافته است

بخشایش اردستانی در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره احتمال وقوع جنگی گسترده میان ایران و آمریکا گفت: به نظر من، دیگر جنگ گسترده‌ای میان ایران و آمریکا رخ نخواهد داد. آمریکا متوجه شده است که نه‌تنها موضوع هسته‌ای ایران را آن‌گونه که می‌خواست در اختیار ندارد، بلکه تنگه هرمز و قیمت انرژی نیز به متغیرهای مهم این بحران تبدیل شده‌اند.

او با تاکید بر مشکلات خاص باب‌المندب افزود: باب‌المندب نیز با مشکلات خاص خود مواجه است. وقتی محمد بن‌سلمان به‌طور مداوم درخواست کمک برای عقب‌راندن حوثی‌ها را مطرح می‌کند، اما کمک مورد انتظار را دریافت نمی‌کند، این برداشت شکل می‌گیرد که آمریکا آن‌گونه که عربستان تصور می‌کرد، وارد حمایت مستقیم نشده است.

این نماینده مجلس ادامه داد: ممکن است درگیری‌های پراکنده همچنان ادامه داشته باشد و حتی اسرائیل در آینده به دنبال حمله به ایران باشد، اما به نظر من میان ایران و آمریکا نوعی قرارداد نانوشته عدم تعرض شکل گرفته است.

او با اشاره به این مسئله که افق فعلی نشان‌دهنده احتمال وقوع جنگی پرشدت نیست گفت: ایران نیز در حملات اخیر خود نشان داده است که می‌تواند اسرائیل را غافلگیر کند. بنابراین افق فعلی نشان‌دهنده احتمال وقوع جنگی پرشدت و گسترده میان ایران و آمریکا نیست، هرچند نمی‌توان احتمال درگیری‌های محدود و پراکنده را نادیده گرفت.

انرژی؛ متغیری مهم در محاسبات آمریکا

بخشایش اردستانی در پایان با اشاره به اهمیت قیمت انرژی در محاسبات دولت آمریکا گفت: ترامپ تلاش می‌کند قیمت گازوئیل و بنزین را کنترل و پایین نگه دارد. بنابراین هرگونه تنش گسترده که بازار انرژی و مسیرهای انتقال نفت را با بحران مواجه کند، می‌تواند برای دولت آمریکا نیز هزینه‌زا باشد.

او افزود: در چنین شرایطی، اگر چین واقعاً وارد نقش میانجی شود، تفاوت اصلی پکن با میانجی‌های قبلی می‌تواند در وزن سیاسی و اقتصادی آن باشد؛ وزنی که برای عبور از میانجیگری‌های مقطعی و رسیدن به تفاهمی مؤثر اهمیت بیشتری دارد.

بازتاب گسترده به توئیت قالیباف

وال‌استریت زیر سایه دیپلماسی ایران

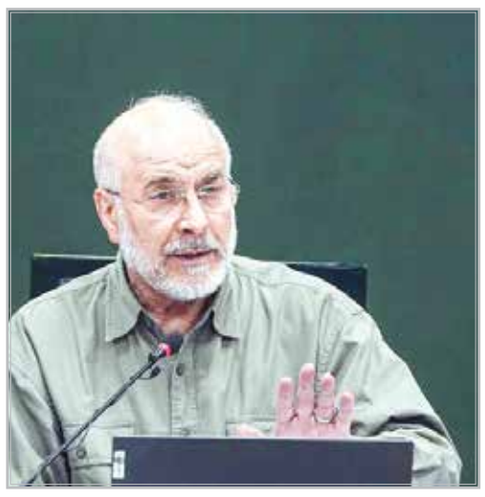

توئیت تحلیلی رئیس مجلس شورای اسلامی پیرامون بی‌اثری تصمیمات فدرال‌رزرو آمریکا در مهار تورم، موجی از واکنش‌های گسترده را میان اقتصاددانان و تحلیلگران غرب برانگیخته است.

به گزارش مهر، روز گذشته محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در پستی در شبکه ایکس به تصمیمات بانک مرکزی آمریکا برای مدیریت شرایط اقتصادی جنگ در داخل این کشور طعنه زد. این پست تا کنون بیش از ۵ میلیون بار دیده شده و بازتاب‌ها و واکنش‌های متعددی در میان فعالان بازارهای مالی و انرژی جهان داشته است. از جمله استیو هو، پژوهشگر ارشد موسسه تحقیقاتی سیلیکون‌دیتا در نیویورک، با کنایه به قدرت تحلیل ایران نوشت: «این توییت را باید در موزه لوور آویزان کرد!» برخی کاربران و تحلیلگران بازار مالی، از جمله VKMacro، نیز هشدار دادند: «آخرین باری که قالیباف فرمول ریاضی منتشر کرد، قیمت نفت تا دو ماه در سقف تاریخی خود باقی ماند.»

از سوی دیگر، فیلیپ پیلکینگتون، اقتصاددان و مشاور سرمایه‌گذاری دانشگاه کینگستون که چهره‌هایی چون جی‌دی ونس و جو کنت از دنبال‌کنندگان او هستند، تصریح کرد: «قالیباف می‌گوید ایران نرخ بهره حقیقی و شاخص‌های اقتصادی آمریکا را دیکته می‌کند و البته که کاملاً حق با اوست.» همچنین آرنو برتراند، تحلیلگر برجسته ژئوپلیتیک، با اشاره به خلاقیت ارتباطی ایران اظهار کرد: «تاکنون ندیده بودم کشوری با یک معادله ریاضی کشور دیگری را تهدید کند؛ قالیباف رسماً نشان داد که ایران در حال تعیین سیاست‌های پولی بانک مرکزی آمریکاست».

در میان فعالان حوزه مالی، اکانت سرشناس Nostra بازتاب این توییت را «ترول کردن فدرال‌رزرو در سطح مدرک دکتری» خواند و حساب تحلیلی The Resonance تاکید کرد: «ترامپ اکنون به یک تیم مجزا از کارشناسان نیاز دارد تا فقط بفهمند مسئولان ایرانی چه می‌گویند!»

اما شاید مهم‌ترین واکنش از سوی پروفسور فرانسوا بالو، استاد دانشگاه یوسی‌ال لندن، مطرح شد. او با مقایسه توییت ترامپ و قالیباف نوشت: «اگر آمریکایی بودم، از اینکه سیاستمداران کشور دشمن تا این حد از رئیس‌جمهور خودم باسوادتر، باهوش‌تر و مطلع‌تر از اقتصاد هستند، احساس شرمساری و نگرانی می‌کردم.»

کانال‌های تحلیل ریسک نیز با انتشار این مقایسه با تیترهایی نظیر «با دقت انتخاب کنید؛ کوانت شما در برابر کوانت ایران» به این معنی که جنگ فرمول‌ها در دنیای قدرت، بر دست برتر محاسباتی ایران در گلوگاه‌های انرژی صحه گذارده شد.

رئیس مجلس روز گذشته در پستی در شبکه ایکس ضمن تأکید بر شکست دکترین کلاسیک بانک مرکزی آمریکا خطاب به تصمیم‌سازان واشنگتن نوشته بود: «ببینم فدرال‌رزرو با بالا بردن نرخ بهره می‌تواند تنگه هرمز را باز کند یا یک بشکه نفت بیشتر تولید کند؟! با بالا و پایین کردن نرخ بهره نمی‌شود انتظارات تورمی در آمریکا را مدیریت کرد؛ چرا که این انتظارات متاثر از شوک طرف عرضهٔ ناشی از مسدود شدن گلوگاه‌های انرژی یعنی تنگه هرمز و باب‌المندب است. این «ریسک تنگه هرمز» است که نرخ را مشخص می‌کند و کنترل این ریسک اکنون دست ایران است.»

اخبار

تحقیق و تفحص از سازمان غذا و دارو روی میز کمیسیون بهداشت

نایب رئیس کمیسیون بهداشت مجلس از بررسی ابعاد تحقیق و تفحص از سازمان غذا و دارو با حضور وزیر بهداشت در نشست هفته آینده این کمیسیون خبر داد و گفت: اگر از منابعی که در گذشته برای حوزه سلامت اختصاص یافت، استفاده و مدیریت بهتری صورت می‌گرفت و پیش‌بینی‌های لازم برای تامین دارو انجام می‌شد، می‌توانستیم امروز با مشکلات کمتری مواجه و بخشی از کمبودهای فعلی را نداشته باشیم.

به گزارش ایلنا، روح‌الله لک‌علی‌آبادی، نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، از بررسی موضوع تحقیق و تفحص از سازمان غذا و دارو در نشست هفته آینده کمیسیون خبر داد و گفت: وزیر بهداشت در این جلسه حضور می‌یابد و توضیحات لازم درباره وضعیت موجود و عملکرد سازمان غذا و دارو ارائه خواهد کرد و بررسی‌های لازم نیز در این زمینه انجام می‌شود.

وی با اشاره به شرایط موجود در حوزه تولید وتامین دارو افزود: باید بپذیریم که متاسفانه شرایط خوبی در زمینه تولید و تامین دارو نداریم و وضعیت دارویی در برخی استان‌ها سرسام‌آور است؛ به‌گونه‌ای که برخی داروها با کمبود شدید و برخی دیگر نیز با کمبود مواجه هستند و این مسئله نگرانی‌هایی را برای مردم ایجاد کرده است.

لک‌علی‌آبادی ادامه داد: مردم این مشکلات را به نمایندگان مجلس منعکس می‌کنند و نمایندگان نیز از طریق بازدیدها و نظارت‌های میدانی، کمبودها و مشکلات موجود را از نزدیک لمس می‌کنند بنابراین اگر مدیریت و پیش‌بینی مناسب‌تری صورت می‌گرفت، شاید امروز با چنین شرایطی مواجه نبودیم.

نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با اشاره به شرایط کشور، ادامه داد: اکنون در شرایط تحریم و جنگ نظامی و اقتصادی قرار داریم و بدون شک این شرایط بر حوزه تولید و تامین دارو نیز تأثیرگذار است اما باید توجه داشت که در گذشته با دستور رهبر شهید، یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی به حوزه سلامت اختصاص یافت و می‌توانستیم با مدیریت بهتر و استفاده مناسب‌تر از این منابع، بخشی از نیازهای حوزه دارو را پیش‌بینی و برای شرایط امروز آماده‌تر باشیم.

وی تصریح کرد: اگر از منابعی که در گذشته برای حوزه سلامت اختصاص یافت، استفاده و مدیریت بهتری صورت می‌گرفت و پیش‌بینی‌های لازم برای تامین دارو انجام می‌شد، می‌توانستیم امروز با مشکلات کمتری مواجه و بخشی از کمبودهای فعلی را نداشته باشیم.

لک‌علی‌آبادی یادآور شد: مجموعه این مسائل باعث شد موضوع تحقیق و تفحص از سازمان غذا و دارو را در دستور کار قرار دهیم تا وزیر بهداشت، مدیران و معاونان مربوطه در این موضوع ورود کنند، توضیحات و پاسخ‌های لازم را ارائه دهند و ابعاد مختلف مسائل موجود مورد بررسی قرار گیرد.

نماینده مردم ازنا و دورود در مجلس دوازدهم ادامه داد: هدف این است که عملکرد و نحوه مدیریت منابع و امکانات در این حوزه به‌صورت دقیق بررسی و شفاف شود و ضمن شناسایی نقاط ضعف و مشکلات، مردم نیز در جریان مسائل موجود و اقدامات انجام‌شده قرار گیرند.

واکنش سردار حسن‌زاده به یاوه‌گویی یک مسئول اسرائیلی

فرمانده سپاه محمد رسول الله(ص) تهران بزرگ به یاوه‌گویی یک مسئول اسرائیلی پاسخ داد و گفت: مردم با هر گام خود همینه آمریکا را له می‌کنند.

به گزارش ایسنا، سردار حسن حسن‌زاده فرمانده سپاه تهران بزرگ در حاشیه رزمایش و اجتماع بزرگ «مردم جان فدای ایران»، در واکنش به گزافه‌گویی یک مسئول اسرائیلی درباره نظام جمهوری اسلامی ایران، گفت: ما به این یاوه‌گویی‌ها عادت داریم. آن‌ها ۴۷ سال است که آرزوی به زانو در آوردن جمهوری اسلامی را دارند.

وی ادامه داد: نیازی نیست که ما پاسخ بدهیم؛ امروز گام‌های استوار ملتی که از همه اقشار در رزمایش جان‌فدایان جمع شده‌اند، پاسخ آمریکا را می‌دهند. مردم با هر گام خود همینه آمریکا را له می‌کنند.

سردار حسن‌زاده تاکید کرد: امروز مردم جان فدا با عظمت، وحدت و یکپارچگی در خیابان انقلاب و میدان انقلاب حضور پیدا کردند.

سرمقاله

بازگرداندن آینده به مردم!

ادامه از صفحه یک

جنگ اما فقط برخورد دو نیروی نظامی نیست؛ فروپاشی بخشی از زندگی عادی انسان‌هاست.

خانه‌ای که ویران می‌شود، فقط آجر و سیمان نیست. مدرسه‌ای که آسیب می‌بیند، فقط یک ساختمان نیست. نیروگاهی که از کار می‌افتد، فقط یک تأسیسات نیست. پشت هر زیرساخت، زنجیره‌ای از زندگی انسان‌ها قرار دارد.مایلم بعنوان نمونه چند نام را ذکرکنم .کودکان مدرسه میناب ،جوانان ورزشگاه لامرد ،مراسم عروسی بندرسیریک وپل B۱.....!!

برای ما ایرانیان، این نامها یک اسم جغرافیایی نیست.

میناب یعنی کودکانی که باید در مدرسه باشند، بازی کنند و رؤیای آینده داشته باشند؛ اما جنگ، ناگهان آنها را از جهان کودکی بیرون می‌کشد.

ورزشگاه لامرد، مراسم عروسی یک روستای محروم و پل B۱ نیز برای مردم این سرزمین صرفاً چند نقطه روی نقشه نیستند. هر کدام روایتی از زندگی‌هایی هستند که جنگ به آنها وارد شده است.

اینجاست که ادبیات رسمی جنگ با یک پرسش ساده و بی‌پاسخ مواجه می‌شود:کودک چه گناهی کرده است؟

بازدارندگی، امنیت ملی، اهداف نظامی و معادلات قدرت، همه واژه‌های مهمی هستند؛ اما هیچ‌کدام نمی‌توانند رنج یک کودک را توضیح دهند.اگر نظام بین‌الملل برای حفاظت از کودکان، غیرنظامیان وزیرساخت‌های حیاتی سازوکار مؤثری ندارد، باید صادقانه پرسید: پس این نظام دقیقاً برای چه ساخته شده است؟

ما از سازمان ملل نمی‌خواهیم طرف ایران را بگیرد؛ می‌خواهیم طرف قانون باشد.

قانون بین‌المللی اگر در برابر قدرت، یک معنا و در برابر ضعف، معنای دیگری داشته باشد، دیگر قانون نیست؛ ابزار است.این سخن البته فقط خطاب به دیگران نیست. هر کشوری که از نظم بین‌المللی سخن می‌گوید، باید خود نیز به قواعد آن تن دهد.اما مسئله ایران فقط ایران نیست.

جنگ نامشروع آمریکا علیه ایران اگر ادامه پیدا کند، در مرزهای دو کشور متوقف نمی‌ماندچنانچه نماند.امنیت انرژی، تجارت جهانی و مسیرهای حیاتی کشتیرانی، جغرافیای جنگ را بسیار بزرگ‌تر از میدان نبرد می‌کنند.

در این میان، یک خانواده آمریکایی که با افزایش هزینه انرژی و کالا مواجه می‌شود، دشمن مردم ایران نیست. یک کارگر اروپایی که هزینه جنگ را در زندگی خود احساس می‌کند، درباره آغاز آن تصمیم نگرفته است.

یک خانواده آسیایی که از اختلال تجارت جهانی آسیب می‌بیند، هیچ نقشی در این جنگ نداشته است. پس جنگ، دیر یا زود، مسئله همه می‌شود.

همین جاست که باید یک سوءتفاهم بزرگ را کنار گذاشت:

دفاع از ایران الزاماً به معنای دشمنی با مردم آمریکا نیست؛ همان‌گونه که مخالفت با جنگ الزاماً به معنای نفی حق دفاع ایران نیست.

خانواده ایرانی و آمریکایی هیچ اختلافی با هم ندارند.

هر دو امنیت و آینده می‌خواهند.نمیتوان بنام عظمت آمریکا جنگ تحمیل کرد وعزت وآینده ملتی به بزرگی وعظمت ایران را به گروگان گرفت .تاریخ خودشاهداست که ملت ایران عظمت خودرا درگرواحترام به حقوق دیگران بدست آورده است ودرمقابل تعرض به عظمت خود، همواره سربلند بوده است. اگر سیاست نتواند این حقیقت ساده را ببیند، سیاست از انسان فاصله گرفته است.

ایران جنگ را انتخاب نکرد و آغازگر جنگ نبود؛ اما حق دفاع از خود را نیز کنار نمی‌گذارد.این دو گزاره در برابر یکدیگر نیستند.می‌توان از وطن دفاع کرد و صلح خواست.

می‌توان قدرت دفاعی داشت و جنگ‌طلب نبود.می‌توان مذاکره را پذیرفت و تسلیم را نپذیرفت. ایران مذاکره را ضعف نمی‌داند؛ اما مذاکره تحمیلی را نیز نمی‌پذیرد.

گفت‌وگو هنگامی معنا دارد که بر پایه احترام متقابل، برابری، تعهدات روشن و تضمین‌های قابل اتکا باشد. شاید زمان آن رسیده باشد که کشورهای منطقه، پس از دهه‌ها رقابت، امنیت خود را خودشان تعریف کنند. امنیت خلیج فارس نباید پروژه قدرت‌های بزرگ باشد. امنیت انرژی نباید گروگان تنش‌های سیاسی باشد.

حاکمیت کشورها نباید قابل معامله باشد. و زیرساخت‌های حیاتی نباید هدف مجازات ملت‌ها قرار گیرند.می‌توان درباره ایجاد یک سازوکار جامع امنیت و همکاری منطقه‌ای گفت‌وگو کرد؛ سازوکاری که کشورهای منطقه در آن، نه برای حذف یکدیگر، بلکه برای تضمین امنیت یکدیگر بنشینند.امنیت پایدار را نمی‌توان برای همیشه وارد کرد. امنیت واقعی زمانی شکل می‌گیرد که همسایه، به جای آنکه تهدید تلقی شود، بخشی از راه‌حل امنیتی تلقی شود.

این شاید مهم‌ترین درسی باشد که منطقه از دهه‌ها جنگ و بحران گرفته است: امنیت یک کشور، اگر بر ناامنی همسایه بنا شود، دیر یا زود به بحران خودش تبدیل خواهد شد.

امروز جهان در برابر یک انتخاب تاریخی قرار ندارد؛ بلکه با یک سؤال تاریخی مواجه است:

آیا قرار است قرن بیست‌ویکم همچنان با منطق قرن بیستم اداره شود؟

منطق بازدارندگی، تحریم، فشار، جنگ و انتقام؟

یا می‌توان از این چرخه عبور کرد و امنیت را به پروژه همکاری تبدیل کرد؟

ایران برای عبور از این شرائط پیشنهاد دارد :

نه از موضع ضعف؛ از موضع کشوری که هزینه جنگ را فهمیده است.نه با دست‌های بسته؛ با قدرت دفاع از خود.نه با نفی مذاکره؛ با نفی مذاکره تحمیلی.

و نه با رؤیای جنگ دائمی؛ با مطالبه صلحی که عزت و امنیت را همزمان به رسمیت بشناسد.ایران نه جنگ می‌خواهد و نه تسلیم.

ایران صلح می‌خواهد؛ اما صلح عادلانه، پایدار و محترمانه.

صلحی که فقط در بیانیه‌های دیپلماتیک نوشته نشود؛ در زندگی مردم دیده شود.صلح یعنی کودک میناب دوباره به مدرسه برگردد.یعنی مادر ایرانی از صدای هواپیما نترسد. یعنی بیمارستان نگران قطع انرژی و کمبود تجهیزات نباشد.

یعنی جوان ایرانی بتواند برای فردای خود برنامه‌ریزی کند.یعنی خانواده آمریکایی، خانواده اروپایی و خانواده آسیایی، هزینه تصمیم‌هایی را که در اتخاذ آنها نقشی نداشته‌اند، بر دوش نکشند. در نهایت، مسئله شاید از همه ساده‌تر باشد.سیاست اگر برای انسان است، باید به زندگی انسان ختم شود.

و اگر روزی تاریخ از ما پرسید در روزگاری که جهان در آتش جنگ بود، چه کردید، پاسخ شایسته این نیست که چه کسی بیشتر شلیک کرد و چه کسی بیشتر مقاومت کرد.پاسخ باید این باشد:

ما اجازه ندادیم زخم یک ملت، نفرت میان ملت‌ها بسازد.اجازه ندادیم کودکان، تاوان تصمیم قدرت های بزرگ را بدهند.و تلاش کردیم آینده را از میدان جنگ، دوباره به مردم باز گردانیم